

اوژن یونسکو

بداهه گویی آلمان

یا

آفتاب پرست چوپان

علی باش

اوژن یونسکو

اوژن یونسکو در نوامبر سال ۱۹۰۹، پنج سال پیش از شروع جنگ جهانی اول در شهر سلاتینای رومانی چشم به جهان گشود. پدرش اهل رومانی و مادرش فرانسوی بود. کانون این خانواده به هیچ وجه گرم و صمیمانه نبود. در سال ۱۹۱۷ پدر اوژن یونسکو که به تنهایی به رومانی باز گشته بود، غیباً همسرش را طلاق می دهد. او که مردی خشن و فرصت طلب بود به محض شکست رومانی به همکاری با آلمان ها می پردازد. اوژن دائم با پدرش درگیر بوده و به همین خاطر از پدرش جدا و نزد عمه هایش زندگی می کرد. او در سال ۱۹۲۹ موفق به کسب لیسانس زبان فرانسه از دانشکده ادبیات بخارست می گردد. از سال ۱۹۳۰ دوران طلایی فعالیت ادبی خود را در مجلات مترقی و ضدفاشیست آغاز می کند و شاهد به قدرت رسیدن گارد آهنین، جنبش فاشیستی در رومانی و همکاری پدرش با آن است. در سال ۱۹۳۶ او با رودیکا بوریلونو ازدواج می کند و در همین سال مادرش چشم از جهان فرو می بندد. مرگ مادر ضربه سختی بر او بود و فراقش هرگز اوژن را ترک نکرد. سرانجام در سال ۱۹۴۲ او برای همیشه به فرانسه مهاجرت می کند و به دلیل اشغال پاریس توسط نیروهای آلمانی در مارسی سکنا می گزیند. در سال ۱۹۴۴ ارتش سرخ به رومانی حمله می کند و پدرش مانند تمامی سیاستمداران فرصت طلب این بار کمونیست می گردد. وی در سال ۱۹۴۸ فوت می کند. دوران پس از جنگ

برای بسیاری از اروپاییان از جمله برای خانواده اوژن یونسکو، دوران سختی بود. او برای امرار معاش دست به هر کاری می زد. در سال ۱۹۵۰ آواز خوان طاس را می نویسد که در سال ۱۹۵۷ در تئاتر نوکتامبول به روی صحنه می رود. از همین سال طوفان تئاتر پوچی نخست سراسر فرانسه و سپس تئاتر اروپا و جهان را درمی نوردد.

یونسکو محصول نیمه نخست و ویرانگر قرن بیستم، دوران شکل گیری حکومت های توتالیتیر بود. از آغاز نیمه دوم قرن، هر چند هرگز یک مبارز نبود، خود میوه هایی به بار آورد که مبارزه ای بی امان در قالب هنر تئاتر با همین حکومت ها و اندیشه ها بودند. او در سال ۱۹۹۴ در کنار همسر و دخترش در شهر پاریس چشم از جهان فرو بست. او را با مراسم کلیسای ارتدکس در گورستان مونپارناس به خاک سپردند.

برای بسازی از اروپایان از جمله برای خانواده اوژن یونسکو، دوران سختی بود. یونسکو برای معاش دست به هر کاری می زدند در سال ۱۹۵۰ آواز هنرمندان گویی را می شنید که در سال ۱۹۵۷ در تئاتر نوکامبول به روی صحنه می رود. در همین سال طوفان تئاتر برپا می شود نخست براسر فرانسه و سپس تئاتر اروپا و چین را فرا می گیرد.

یونسکو معضله نیمه نخست و ویرانگر فرهنگ بیستم دوران شکل گیری حکومت های فاشیست بود. از آغاز جنگ جهانی دوم هرگز یک ملل بود.

شخصیت ها

- | | |
|---------------|----------------------------|
| بارتولومئوس ۱ | کلود پپلو ^۱ |
| بارتولومئوس ۲ | آلن موته ^۲ |
| بارتولومئوس ۳ | پییر واسا ^۳ |
| ماری | تسیلا شلتون ^۴ |
| یونسکو | موریس ژاکومون ^۵ |

بداهه گویی آلمان برای نخستین بار در ۲۰ فوریه ۱۹۵۶ در استودیوی شانزه لیزه و به کارگردانی موریس ژاکومون، صحنه آرایه پل کویی و موسیقی قرن هفدهم به روی صحنه رفت.

1 - Claude Pieplu
2 - Alain Mottet
3 - Pierre Vassas
4 - Tsilla Chelton

۵- او به خوبی نقش مادر ژاک در "ژاک یا تسلیم"، پیرزن در "صندلی ها"، مادرلن در "قربانیان وظیفه"، آلیس در "نابلو" و "هذیان دو نفره" را ایفا کرد.

6 - Maurice Jacquemont

و زمانی که مسئولیت یونسکو بر عهده او بود که ...

در میان کتیب و دست نوشته ها، یونسکو سرش را روی میز گذاشته و خوابیده است. در یک دستش مدادی گرفته که نوک مداد رو به بالا می باشد. زنگ می زند. یونسکو خروپف می کند. دوباره زنگ می زند و پس از آن در را محکم می کوبند. صدا می زند.

صدای یونسکو! یونسکو!

سرانجام یونسکو از خواب می پرد. چشمانش را می مالد.^۱

صدای مردی یونسکو! شما آنجا هستید؟

بله ... یه لحظه! ... باز چه خبره؟

یونسکو هم چنان که موهای به هم ریخته خود را مرتب می کند به سمت در می رود و آن را باز می کند. بارتولومئوس ۱ با ردای استادی پدیدار می شود.

استادی پدیدار می شود.

۱- چند روز پس از نمایش "بداهه گویی آلمان"، یونسکو مقاله ای با عنوان "نقدهای من و من" منتشر کرد که این نوشتار در "یادداشت ها و ضد یادداشت ها" به چاپ رسیده است.